

سخنرانى سيد احمد الحسن عليه السلام

بمناسبت روز عيد غدیر بزرگ، و تبریک گوئی در گروه تلگرامی الدعوة المهدویة



١٨ ذى الحجة ١٤٤٢

٢٨ جولای ٢٠٢١ م - ٦ مرداد ١٤٠٠ ش

مجموعة الدعوة المهدوية:

<https://t.me/MahdiMedia10313>

متن و ترجمه

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

كل عام وأنتم بخير وعافية بمناسبة عيد الله الأكبر، عيد الغدير وعيد حاكمية الله سبحانه وتعالى. حادثة وبيعة الغدير مشهورة ومتواترة في كتب المسلمين، ومختصرها أن رسول الله صلى الله عليه وآله، نقل ولايته الإلهية إلى الإمام علي صلوات الله عليه، وأعلن تنصيبه خليفة لله في أرضه من بعده. وأنا هنا أحب أن أنقل حديث مختصر مما روي في بيعة الغدير المباركة. أنا بالحقيقة لا يظهر... لا تظهر عندي الكتابة أمامي لا أعرف السبب، إذا كان يوجد صوت فقط.. نعم.. نعم.

الدكتور علاء: نعم سيدنا الصوت جيد، حبيبي براحتك.

السيد أحمد الحسن: جزاكم الله خيرا.. نعم.

سلام عليكم ورحمة الله وبركاته

به مناسبت عيد بزرگ خدا، عيد غدیر وعيد حاکمیت خدای سبحان و متعال هر سال شما در خیر وعافیت باشید. اتفاق و پیمان غدیر در کتاب های مسلمانان مشهور و متواتر است. و مختصر آن این است که رسول خدا (صلى الله عليه و آله)، ولایت الهی اش را به امام علی - صلوات الله علیه - انتقال داد و او را بعد از خودش خلیفه خدا اعلام کرد. دوست دارم اینجا حدیث مختصری را بیان کنم که روایت غدیر مبارک است. در واقع نوشته اش برایم نمایش داده نمی شود و نمی دانم دلیلش چیست... اگر صدا هست {بگوئید} چون قطع و وصل می شود. بله! بله!

دكتور علاء: بله آقای ما، صدا خوب است عزیزم؛ شما راحت باشید.

سید احمد الحسن: خداوند به شما پاداش نیک دهد.. بله!

الحديث هو ما رواه الإمام أحمد ابن حنبل في مسنده الجزء الرابع الصفحة ۲۸۱، في سنده إلى البراء ابن عازب قال: (كنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في سفر فنزلنا بغدير خم فنودي فينا الصلاة جامعة وكسح لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم (طبعا الحديث صلى الله عليه وسلم، اعتيادا أنا ذكرت وآله. للدقة فقط نقل .. كما هم يروونه) وكسح لرسول الله صلى الله عليه وسلم تحت شجرتين فصلى الظهر وأخذ بيد علي رضي الله عنه فقال أستم تعلمون أني أولى بالمؤمنين من أنفسهم قالوا بلى قال أستم تعلمون اني أولى بكل مؤمن من نفسه قالوا بلى قال فأخذ بيد علي فقال من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. قال فلقبه عمر بعد ذلك فقال له هنيئا يا ابن أبي طالب أصبحت وأمست مولى كل مؤمن ومؤمنة). إلى هنا إنتهى ما نقله أحمد ابن حنبل في مسنده، والحمد لله رب العالمين على نعمة الإسلام وكمالها بعلي وبخلفاء الله من ولده صلوات الله عليهم أجمعين.

الأحبة المستمعين، هناك قضايا أريد أن أعرض لها اليوم ولو باختصار. فمن يرغب الإستماع وربما الإنتفاع أو يكون له رأي آخر، فجزاه الله.. فجزاه الله خير جزاء المحسنين.

آن حدیث، همان روایت امام احمد بن حنبل، در کتاب مسندش، جلد ۴، صفحه ۲۸۱، در سندش از براء بن عازب است که نوشته: (در یک سفر، همراه با رسول خدا صلی الله علیه وسلم بودیم که در غدیر خم منزل کردیم. ندا دادند که وقت نماز جماعت است. راه را برای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باز کردند و ایشان را یاری کردند (طبعاً در حدیث آمده صلی الله علیه و سلم که عادت آنها است و من به خاطر دقت در انتقال کلام اینطور می گویم؛... همینطوری که آنها روایت می کنند) راه را برای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باز کردند و ایشان را یاری کردند تا به زیر آن دو درخت رسید و نماز ظهر را خواند و دست علی رضی الله عنه را گرفت و فرمود: آیا نمی دانید که من بر تمام مومنین از خودشان اولی تر هستم؟ گفتند: بله! فرمود: آیا شما نمی دانید که من بر تمام مومنین اولی تر هستم؟ گفتند: بله! پس دست علی را گرفت و فرمود: هر کسی که من مولای او هستم علی مولای اوست؛ خدایا با دوستان او دوست و با دشمنانش دشمن باش. بعد از این گفته‌ها، عمر با علی روبرو شد و گفت: گوارا باد بر تو ای فرزند ابی طالب، صبح کردی و شام کردی در حالی که مولای هر مرد و زن با ایمان هستی). در اینجا نقل قول احمد ابن حنبل از کتاب مسندش پایان یافت. خدای جهانیان را شکر بسیار به خاطر نعمت اسلام و تکمیل آن با علی و خلیفه‌های خدا که از فرزندان اویند- که درود خدا بر همه آنها باد!

شنوندگان عزیز: نکته‌هایی وجود دارد که می‌خواهم امروز به آنها بپردازم؛ حتی اگر شده خیلی کوتاه. کسی که دوست دارد بشنود یا شاید استفاده ببرد، یا اگر دیدگاه دیگری داشته باشد، خدا خیرش بدهد،... خدا خیرش دهد از آن خیری که به نیکوکاران می‌دهد.

### القضية الأولى:

أفغانستان، وما يحصل فيها من محاولة مجرمي طالبان الوهابية السلفية أخزاهم الله للسيطرة على البلاد. وهم يقتلون الناس بوحشية وإجرام لا يقل عما فعله مجرمي داعش في سوريا والعراق. واعتقد أن هناك عدم اهتمام متعمد بهذه المسألة رغم أنها تخص كل العالم، فتقدم طالبان وتحقق موطأ قدم للحركة الوهابية السلفية الاجرامية هناك، يعني دعم لهذا الفكر الإجرامي، يعني تفجيرات وقتل وترويع في عدة دول أخرى في العالم. أتمنى من الناس، وأرجو من الناس ومن شعوب العالم أن تقف مع الشعب الأفغاني ضد حركة طالبان الإجرامية قبل أن تقع الفأس في الرأس - كما يقولون - ، وأتمنى للشعب الأفغاني والمؤمنين في أفغانستان السلامة والنصر على هذه الحركة الإجرامية وتحقيق الأمن والاستقرار في هذا البلد الكريم.

**مسئله اول:** افغانستان و دستاوردهای جنایتکاران طالبان، همان وهابی‌های سلفی- که خدا رسوایشان کند- و سیطره آنها بر آن کشور می‌باشد. آنها مردم را وحشیانه و جنایتکارانه می‌کشند، که دست کمی از

جنایت‌های داعش در سوریه و عراق ندارد. و به نظر من عمداً به این موضوع توجهی نمی‌شود با اینکه موضوع به همه دنیا مربوط است. پس پیشروی‌های طالبان و تثبیت جای پای وهابیت سلفی جنایتکار در آن منطقه، به معنای پشتیبانی از این مکتب و تفکر جنایتکار است؛ همان انفجارها، کشتارها، هراس افکنی‌ها در کشورهای دیگر دنیا... از مردم و ملت‌های دنیا خواهش دارم و امیدوارم که دوشادوش کشور افغانستان و بر علیه حرکت جنایتکارانه طالبان بایستند پیش از آنکه به قول معروف (کار از کار بگذرد). و برای مردم افغانستان و مؤمنان، آرزوی سلامتی و پیروزی بر علیه این جنبش جنایتکار را دارم، و آرزو می‌کنم که ثبات به این کشور کریم باز گردد.

#### القضية الثانية:

وقبل أن أطرحها أود أن أبين لمن يعترضون على إبداء الرأي في القضايا التي تحدث في دول العالم بحجة أنك لا تنتمي أو لم تولد في هذا البلد، هناك يعني بعض ال.. ما اعرف يعني.. الجهل أو.. على كل حال.

- أولاً: هناك نقاط يعني أبينها في هذا المثال.. أولاً وقبل كل شيء أود أن أبين أنه من حقنا أن نبدي آرائنا ووجهة نظرنا في أي مسألة إنسانية كانت، لأننا جميعاً بشر فلنا أن نعلق ونبدي آرائنا على ما يحدث في أمريكا أو أوروبا أو آسيا وأي مكان آخر إلى آخره، وخصوصاً القضايا التي تتعلق بالظلم والطغيان.
- ثانياً: من حقنا أن نبدي آرائنا في القضايا الإسلامية أو ما يحدث في البلدان الإسلامية؛ لأننا مسلمون.
- وثالثاً: من حقنا أن نبدي آرائنا في القضايا العربية. المهم.

**مسئله دوم:** قبل از اینکه آن را مطرح کنم، می‌خواهم برای کسانی که می‌گویند من به فلان کشور تعلق ندارم یا در آنجا به دنیا نیامده‌ام، و بر اظهار نظراتم در خصوص آنچه در کشورهای جهان رخ می‌دهد اعتراض می‌کنند روشن کنم: ... البته {همیشه} اینجا و آنجا برخی... جاهلان... به هر حال... هستند.

- اول: نکاتی در این باره هستند که بیان می‌کنم: ابتدا و پیش از هر چیز، می‌خواهم روشن کنم که این حق ماست که نظر خودمان را درباره هر مسئله انسانی مطرح کنیم؛ زیرا تمام ما بشر هستیم و حق داریم درباره رویدادهای آمریکا، اروپا یا آسیا یا هر مکان دیگری نظر بدهیم و نظر خود را بیان کنیم. به ویژه مسائلی که به ظلم و طغیان مربوط می‌شود.
- دوم: این حق ماست که نظر خودمان را درباره مسائل اسلامی یا آنچه در کشورهای اسلامی رخ می‌دهد بیان کنیم؛ زیرا ما مسلمان هستیم.
- و سوم: این حق ماست که رای و نظرات خودمان را در مسائل (مهم) عربی مطرح کنیم.

القضية هي ما حصل في تونس من انقلاب عسكري وتفرد دكتاتوري، في تقرير مصير الناس هناك. أنا أقول بغض النظر عما فعلته الأحزاب في تونس أو أحزاب الإسلام السياسي بالخصوص، والأحزاب في العراق أكيد

وحتما فعلت أكثر بكثير، ولكن يجب على الناس أن تدرك حقيقة، أن الدكتاتورية والتسلط وتحكم فرد غير معصوم بمصير الناس هو أسوء ما يمكن أن تصل له جماعة إنسانية، ولا يمكن أن يكون هناك عذر لقبول الدكتاتورية والتسلط تحت أي حجة كانت، فالحرية وحق الإنسان في تقرير مصيره، قيمة مقدسة شرعا وأخلاقا، ولا يوجد أي عذر لسلها أو التنازل عنها. قال تعالى (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۗ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۗ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ). فإذا كان الله سبحانه وتعالى الذي خلق الإنسان يرفض إكراه الإنسان على الإيمان به أو بدينه، فبأي حق يكره الدكتاتور بقية الناس على طاعته وقبول أرائه في تقرير حياتهم و مصيرهم دون نقاش أو اعتراض.

این قضیه مهم همان اتفاقی است که در تونس رخ داده، همین کودتای نظامی و تک‌روی دیکتاتوری در تصمیم‌گیری سرنوشت مردم آنجا. من می‌گویم: صرف نظر از آنچه احزاب یا به ویژه احزاب اسلام سیاسی در تونس انجام دادند - که البته احزاب در عراق خیلی بیشتر از آن را انجام داده‌اند - اما مردم باید یک حقیقتی را درک کنند؛ {و آن این است که} دیکتاتوری و تسلط و حکومت، فردی غیر معصوم در سرنوشت مردم بدترین چیزی است که یک جامعه انسانی به آن می‌رسد. و در این باره هیچ عذر و بهانه‌ای برای پذیرش دیکتاتوری و تسلط به هر دلیلی وجود ندارد. پس آزادی و حق انسان در تعیین سرنوشت خویش، از دید شرع و اخلاق، یک ارزش مقدس است و هیچ بهانه‌ای نه برای سلب آن هست و نه برای کوتاه آمدن از آن. خدای متعال فرمود: (در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است و خداوند شنوای داناست).<sup>(۱)</sup> بنابراین اگر خداوند سبحان و متعال که آفریدگار انسان است، انسان را بر ایمان به خود یا به دین خود مجبور نکرده است، پس دیکتاتور به چه حقی باقی‌ماندن مردم را بدون هیچ بحث و اعتراضی بر اطاعت و پذیرفتن رای و نظرات خود در تعیین سرنوشت‌شان مجبور می‌کند؟

عموما نتمنى للشعب التونسي ألا يقع فريسة لحكم دكتاتوري متسلط وأن تخرج دولة تونس العزيزة من النفق المظلم الذي يريد البعض زجها فيه. أيضا أرجو من الشعب العراقي أن لا يتمنى الحكم الدكتاتوري، لأنه أسوء بكثير، ممّا هم فيه الآن.

به‌طور کل آرزو می‌کنم ملت تونس طعمه یک حاکم دیکتاتور سلطه‌گر نشود، و کشور عزیز تونس از تونل تاریکی که برخی می‌خواهند آن را به درونش بیندازند، خارج شود. همچنین از ملت عراق می‌خواهم که حکومت دیکتاتوری را آرزو نکنند؛ زیرا بسیار بدتر از چیزی که امروزه در آن قرار دارند، است.

### القضية الثالثة: مسألة اللقاح ضد الوباء

دعوت وأدعو وأؤكد اليوم على الناس بأخذ اللقاح.

وهناك مسألة حدثت معي ربما فيها نفع فأرى أن أذكرها لكم: في بداية انتشار الوباء في الصين، وفي وقتها لم يكن هناك إعلان عن لقاح أو أي شيء مؤكد بهذا الأمر، أقول في وقتها رأيت رؤيا مختصرها، كنت في قاعة كبيرة، وكان هناك مجموعة كنت أعلم أنهم ملائكة ولكنهم بهيئة بشرية، وكان اثنين منهم يحملون حقنتين، الأولى حقنوها في رقبتني، والثانية في أذني من الخلف. وفهمت أن هذا لقاح ضد المرض الذي بدأ ينتشر، وإلى هنا انتهت تقريبا، هذا مختصر الرؤيا يعني. وفي وقتها قصصت الرؤيا لبعض المؤمنين القريبين مني. بعد هذه الرؤيا بعدة أشهر، زارني في بيتي أحد المؤمنين، وبالْحَقِيقَة قبل أن يزورني بفترة أيضا، يعني عدة أسابيع، رأيت رؤيا أنه أصيب بالوباء، وأخبرته في وقتها وأخذ احتياطه في عمله جزاه الله خيرا، لكن ما يكتبه الله سبحانه وتعالى يكون، فشاء الله سبحانه وتعالى أنه يصاب يعني بالنتيجة، فبالنتيجة لما زارني في بيتي كان مصابا بالفايروس دون أن يعلم طبعاً. لم يكن يعلم، وجلس بقربي على نفس جهاز الكمبيوتر واستعمل نفس الأدوات، يعني استخدم الكمبيوتر والماوس لأن كان هناك بعض الأمور التي عملنا عليها، على كل حال. ولم تكن نلبس كمادات ولم استعمل أيضا معقم، وأنفاسه كانت ملاصقة لوجهي، فنظريا المفروض أن الفايروس انتقل لي، والمفروض أن أصاب بالوباء. عموما هو رجع إلى بيته وتدهورت صحته وفي نفس اليوم.. يعني.. بنفس اليوم تدهورت صحته ووضعته الصحي يعني ضيق تنفس وما شابه. وفحص في اليوم التالي ووجد أنه مصاب بالوباء ولكن الحمدلله، فحصته بعده وظهر أنني لم أصب بالوباء.

**مسئله سوم:** مسئله واكسن برای بیماری همه گیر { کرونا } است.

دعوت کرده‌ام، دعوت می‌کنم و امروز هم تاکید می‌کنم که مردم واكسن بزنند.<sup>(۲)</sup>

<sup>۲</sup>. پرسشی در خصوص انواع واكسن‌های ویروس کرونا و پاسخ سید احمدالحسن (علیه السلام):

**سؤال:** بسیاری از برادران از کشورهای مختلف از بنده در خصوص دریافت واكسن و ویروس کرونا سؤال پرسیده‌اند؛ به خصوص عده‌ای از آن‌ها که در حوزه بهداشت و سلامت یا دیگر حوزه‌هایی هستند که ملزم به تزریق این واكسن هستند. شما در این خصوص چه نصیحتی می‌فرمایید؟ سید واثق الحسینی

**جواب:** خداوند شما را زنده بدارد مدت‌ها پیش شیخ ناظم [در این خصوص] از بنده پرسیده بود و به ایشان پاسخ داده بودم. به‌طور کلی دریافت واكسن مسئله‌ای شرعی یا دینی نیست، ولی به‌عنوان یک نصیحت عرض می‌کنم: کسی که از امکان دریافت واكسن موثر و در حد خوبی بی‌خطر برخوردار است، به خدا توکل کرده و خود و خانواده‌اش را واكسینه نماید. واكسن‌های بی‌خطر بسیاری وجود دارند؛ مثل واكسن شرکت فایزر، واكسن مَدْرنا، و نیز واكسن چینی که واكسن خوبی است. واكسن‌هایی نیز با احتمال خطر بسیار اندک یا حتی نادر وجود دارند؛ مثل واكسن آترانکا؛ که اگر کسی جایگزینی برای این واكسن‌ها پیدا کند، قطعاً استفاده از جایگزین بهتر است، اما کسی که جایگزینی نیابد، چنین شخصی در وضعیتی قرار می‌گیرد که احتمال ابتلای او به بیماری همه‌گیر قابل توجه خواهد بود؛ پس بهتر است واكسینه شود، چه با آسترانکا و چه با هر واكسن دیگری همچنین در خصوص مسئله عوارض جانبی واكسن یا به‌طور کلی - داروها، چه در خصوص این بیماری و چه دیگر بیماری‌ها، چنین مسئله‌ای بالقوه، امکان‌پذیر است؛ اما برای شخصی که در شرایط اضطرار قرار دارد درست نیست به بهانه وجود آسیبی با احتمال یک در میلیون، از درمان یا واكسن‌زدن خودداری کند؛ زیرا او همین الان در احتمال آسیب بزرگ‌تری قرار دارد.

سید احمدالحسن (ع) ۲۱ رمضان ۱۴۴۲

<https://www.facebook.com/۴۸۴۳۲۰۲۲۱۶۴۰۶۴۸/posts//۵۴۹۲۴۶۱۱۸۷۴۹۳۱۶۸>

مسئله‌ای برای من اتفاق افتاده که شاید گفتنش برای شما سودمند باشد. در آغاز انتشار ویروس در چین، در آن وقت هیچ اعلانی در خصوص واکسن یا چیز قابل اعتمادی در این خصوص وجود نداشت. در آن هنگام رؤیایی دیدم که خلاصه‌اش چنین بود: در یک سالن بزرگی بودم، در آنجا گروهی بودند که من می‌دانستم آنها فرشته‌اند اما به شکل انسان، دو نفر از آنها دو سرنگ داشتند، اولی را در گردن و دومی را پشت گوشم تزریق کردند. من فهمیدم که اینها واکسن‌های ضد بیماری است که دارد منتشر می‌شود. تا جایی که آن رؤیا تمام شد. البته این مختصر رؤیا بود. در آن وقت این رؤیا را برای مومنینی که به من نزدیک بودند تعریف کردم، چند ماه پس از این رؤیا یکی از مومنان به دیدن من به منزلم تشریف آورد. در واقع مدتی قبل از اینکه به دیدن من بیاید، یعنی همین چند هفته قبل، رؤیایی دیدم که او به این ویروس مبتلا می‌شود. در آن موقع به ایشان اطلاع دادم. ایشان نیز احتیاطات لازم را رعایت کرد خداوند جزای خیر به او عطا کند اما آنچه خداوند سبحان و متعال تقدیر کند اتفاق خواهد افتاد. و همان گونه که خداوند خواست ایشان به این ویروس مبتلا شد. خلاصه وقتی به دیدن من در منزلم تشریف آورد، به ویروس مبتلا شده بود بدون اینکه خودش بداند. کنار من نزدیک کامپیوتر نشست؛ و از همان وسایل استفاده کرد یعنی از کیبورد و موس استفاده کرد زیرا در آنجا کارهایی بود که باهم انجام می‌دادیم. و هیچ کدوم از ما ماسک نپوشیده بودیم، و از ضد عفونی استفاده نکردم و نفسش در نفس من می‌خورد. از نظر تئوری، ویروس باید به من منتقل می‌شد و باید به آن مبتلا می‌شدم. به هر حال ایشان به منزل خودش بازگشت و وضعیت سلامتی جسمانی ایشان در همان روز آشفته شد و دچار تنگی نفس و غیره گردید. و در روز بعد آزمایش داد و پس از آن فهمید که به ویروس مبتلا شده، اما الحمدلله من پس از ایشان آزمایش دادم و معلوم شد که من به ویروس مبتلا نشدم.

الآن ملخص ما قدمته أو ما قلته: أنه يوجد لدي رؤيا، شخصيا يوجد لدي رؤيا رأيتها أن الله تفضل علي وحصني من الوباء في تلك الفترة، وهناك واقع أثبت فعليا أن الله حصني من الوباء يعني ما قصصته عليكم هذا الشخص الذي أصيب بالوباء لكن رغم هذا فالآن لما توفر اللقاح أنا أخذت اللقاح. ربما تسأل لماذا؟ أنا اجيبك أن الله يأمرنا أن نعمل بالأسباب فعندما تحتاج معونة الله سبحانه وتعالى يتفضل الله عليك بالعون حتى وإن تطلب الأمر الإعجاز، طبعاً إن كنت أهلاً لذلك وشاء الله ذلك. لكن عندما تتوفر الوسائل والأسباب عندها يكون من السفه أن تتركها وتترك العمل بها وتطلب آية أو معجزة من الله سبحانه وتعالى فلما تكون عطشا وبقربك قدح فيه ماء من السفه أن تطلب من الله سبحانه وتعالى ان يسقيك أو أن يأتي بآية تذهب عنك العطش، هذا سفه وقله وعي وإدراك بل وقله أدب مع الله سبحانه وتعالى. وللأسف هذا السلوك أو التصرف تجده يتكرر كثيرا في أقوال من يطلبون المعجز وكان دين الله سبحانه وتعالى سيرك وهم متفرجون، وكأنها لعبة وهم يلعبون (فَوَيْلٌ لِلْمُصَدِّقِينَ \* الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ).

خلاصه آنچه بیان کردم: من یک رؤیا دیدم که در آن خداوند به من عنایت فرموده و مرا در آن لحظه از ویروس محافظت کرده است و نیز یک واقعیت وجود دارد که بیان می کند خداوند مرا از ویروس محافظت نموده است (همان داستانی که برایتان تعریف کردم مبتلا شدن شخصی که به منزل من آمد). اما با این وجود، امروز وقتی که واکسن مهیا شد من واکسن زدم، شاید کسی پرسد برای چه؟ در پاسخ می گویم: خداوند به ما امر می فرماید که بوسیله اسباب عمل کنیم، هنگامی که نیازمند کمک خداوند سبحان و متعال هستی، خداوند به کمک تو خواهد آمد، حتی اگر برای آن کار نیاز به اعجاز باشد؛ البته اگر مستحق آن باشی و خداوند آن را بخواهد، اما هنگامی که وسایل و اسباب مهیا باشد، در این هنگام سفیهانه است که آن را رها کنی و عمل نکنی و از خداوند سبحان و متعال معجزه و نشانه ای درخواست کنی. هنگامی که تشنه ای و در کنارت کاسه ای از آب باشد سفیهانه است که از خداوند درخواست کنی تو را سیراب کند یا اینکه معجزه ای انجام دهد که تشنگی را از تو دور سازد. این نادانی و کم خردی ادراک است بلکه بی ادبی به خداوند سبحان و متعال است و متاسفانه این رفتار و راه و روش در گفته های کسانی که معجزه درخواست می کنند بسیار زیاد تکرار می شود. گوئی که دین خداوند سبحان و متعال سیرک است و آنها تماشاگر هستند و گوئی بازی است و آنها بازی می کنند. (پس وای بر تکذیب کنندگان در آن روز \* آنان که به یاوه سرگردند).<sup>(۳)</sup>

#### والحمد لله رب العالمین

أحبتي ربما أظلت عليكم فاعتذر عن أي ازعاج لأي شخص ممن تكرم علينا بالاستماع وأترك لكم الفرصة لطرح ما تريدون جزاكم الله خيرا. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته. وكل عام وأنتم بخير مرة أخرى وأسأل الله ان يحفظكم ويبارك لكم وبكم ويفتح لكم من فضله أبواب الخير والرحمة وهو أرحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين.

(و سپاس خداوند جهانیان) عزیزانم شاید سخنانم خیلی به درازا کشید. من از هر ناراحتی پیش آمده برای هر کسی که به سخنانم گوش داده معذرت می خواهم و فرصت را به شماها می دهم تا آنچه بخواهید را مطرح کنید خداوند جزای خیر به شما عنایت فرماید. و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، و یک بار دیگر هر سال در خیر و عافیت باشید و از خداوند می خواهم که شما را حفظ کند و برای شما و بوسیله شما مبارک گرداند و بوسیله شما درهای خیر و رحمت را گشاید اوست که مهربانترین مهربانان است. و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.<sup>(۴)</sup>

۳. الطور: ۱۱ - ۱۲.

۴. منابع:



\*\*\*

---

<https://t.me/MahdiMedia> ١٠٣١٣

نص عربى كلام سيد احمد الحسن (ع):

<https://www.facebook.com/113594426673020/posts/578417176887407>

فايل صوتى و تصويرى عربى:

<https://youtu.be/IYihCCtbY1E>

فايل صوتى و تصويرى همراه با زير نويس فارسى:

<https://www.youtube.com/watch?v=gRMJDHCbDe8>



تهیه و تنظیم:

صادق شکاری

صفر ۱۴۴۳ هـ.ق

[sadeghshekari۱۰۳۱۳.blogspot.com](http://sadeghshekari۱۰۳۱۳.blogspot.com)

[sadeghshekari.over-blog.com](http://sadeghshekari.over-blog.com)

[t.me/Sadeghansary](https://t.me/Sadeghansary)

[sadeghshekari.com](http://sadeghshekari.com)

[sadeghshekari.blog.ir](http://sadeghshekari.blog.ir)

جهت آشنایی با دعوت سید احمدالحسن علیه السلام به تارنمای رسمی مراجعه نمایید:

[almahdyoon.co](http://almahdyoon.co)

مطالب مرتبط :

[دانلود بیانیه‌های سید احمدالحسن \(ع\)](#)

[دانلود خطبه‌ها و سخنرانی‌های سید احمدالحسن \(ع\)](#)

[دانلود کتاب‌های سید احمدالحسن \(ع\)](#)